

آگاهی ۲- قسمت دوم این اسما قسمت اول را توصیف میکند و رویه گرفته يك اسم محسوب است .

آگاهی ۳- این نوع اسم هم با صفت مشترك است .

نشان یار سفر کرده از که جویم باز که هر چه گفت برید صبا پریشان گفت
آن سفر کرده که صد قافله دل همراه او است هر کجا هست خدایا سلامت دارش
شوخی نرگس نگر که پیش تو بشکفت چشم دریده ادب نگاه ندارد
(حافظ)

چه روز بود که آن ماه روی سیمینبر برسم تعیبه بیرون گذشت با لشکر
بلا رک کهر آموده داشت اندر کف چو آب دیده من بر بلاکش گوهر
(زورقی)

دو پیمانه آب است و یکچه چه دوغ	غریبی گرت هاست پیش آورد
<u>جهان دیده</u> بسیار گوید دروغ	گر از بنده لغوی شنیدی مرنج
<u>دلخسته</u> روزگار و آشفته مدام	مائیم در او فتاده چون مرغ بدام
<u>نا آمده</u> بر مراد و نا رفته بکام	<u>سرگشته</u> در این دایره بی در و بام

(خیام)

نوع هفتم از اسم مرکب و آن مرکب میشود از يك صفت و اسم مفعولی یا از يك اسم و يك اسم مفعول ولی اسم مفعول مرخم است یعنی ماه آخر آن افتاده است ممکن است قسمت آخر این ترکیب یعنی آباد را اسم مفعول ندانیم و صفت بدانیم ولی معنی آن معنی اسم مفعول است .

مثلا در عربی آن معبور است مانند خراب آباد و ظلم آباد طرب آباد و غیره

آگاهی ۱- هر چند این طبقه اسم قیاسی است ولی ترکیباتیکه تا کنون استعمال

کرده اند کم و محدود است .

آگاهی ۲- کلمه اسم خاص (علم) دیها و قصبه ها و شهرها که لفظ آباد در آخر

آنها آمده جزء این طبقه محسوب است و فقط اسم میباشد مانند حسن آباد ، نجف

آباد، عشق آباد و ممکن است قسمت اول صفت مشترك باشد مانند خرم آباد، مشکین آباد و غیره.

مثالها

مکن شهپر عرش پرواز خود را در این وحشت آباد آسوده از گل

(جامی)

بیا بیا که زمانی زمی خراب شویم مگر رسم بکنجی در این خراب آباد

(حافظ)

نوری از روزن اقبال در افتاد مرا که ازاد خانه دل شد طرب آباد مرا

ظلمت آباد دلم گشت چنان نورانی کافان فلکی خود بشد از یاد مرا

هر کجا رایت تو سایه فکند نام آن بقعه گشت عدل آباد

(کمال الدین اسمعیل)

در خدای آباد یا ای امر و نزی و دین و کفر

و احمد مرسل خدای آباد را بس پادشاه (سنائی)

دمبدم از آسمان از بزم روح آباد قدس جرعه های عشق ریزد در دل هشیار من

(عمیق)

نوع هشتم از اسم مرکب و آن مرکب میشود از یک اسم جامد و سوم شخص

ماضی مفرد یک فعل مانند سالخورد، نمکسود و غیره.

آگاهی ۱- بیشتر این نوع اسم همان نوع ششم میباشد یعنی اسم جامد و اسم

مفعول ولی چون در ترکیب هاء بدل حرکت اسم مفعول و کسره پیش از هاء افزوده

است و هر دو شکل در فارسی آمده و ظاهراً از یکدیگر امتیاز دارند بنا بر این آنها را

دو نوع محسوب داشتیم.

مثالها

سرگذشت سیاوش مظلوم پدر بی حفظ و آن زن شوم

(سنائی)